

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

چرایی ورود اساطیر به شعر فارسی

حبیب قربانی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
h.ghorbani@pnu.ac.ir

چکیده

بی شک کارآمدترین قلم ترسیم دریافت های شاعرانه «تخیل» و یکی از اعجاب انگیزترین برساخت های آن «اسطوره» است. اگر برخی از عناصر با قوه ی تخیل هستی می یابد، مهم ترین عنصر آن - اسطوره - پیش وجود است و صاحب سخن آن را به عنوان یکی از ملزومات در ساختار اثر خویش به کار می گیرد. بهره مندی از اساطیر در تصویرپردازی های شاعرانه ی شعرا در هر زمانی با نگرشی متفاوت بوده است. چرا که به فضای تاریخی، سیاسی و اجتماعی و محیط زندگی آن ها بستگی دارد. اما گاهی رمزوارگی اساطیر تا سطحی متعالی از تصور یک انسان آرمانی تعالی می یابد:

«زین همرهان سست عناصرِ دلم گرفت شیرخدا و رستم دستانم آرزوست»

پس اسطوره تجسم آرمانی و عینی ای از آگاهی انسان است نسبت به آنچه که فعلاً در حیطه ی تسلط او نیست و باید در حیات وی تحقق یابد. رویکرد گفتگو در این مقاله آن است که به موضوع «چرایی ورود اساطیر به شعر فارسی با طرح نمونه هایی از اساطیر اشعار کهن» پرداخته آید.

کلمات کلیدی: اساطیر، اسطوره، رمزوارگی، اشعار، عناصر، تخیل، تصاویر خیال

۱. مقدمه

Myth واژه ای معرب و از ریشه ی «هیستوریا» به معنی «جستجو»، «آگاهی» و اسطوره «داستان» مشتق شده است. ارائه ی تعریفی جامع الاطراف که به طور کامل دربردارنده ی همه ی مفاهیم و جنبه های آن باشد کار آسانی نیست. هرچند تاکنون تعاریف متعددی بیان شده است. «اسطوره» را باید داستان و سرگذشتی مینوی دانست که اصالت آن به درستی معلوم نیست و شرح عملکرد، عقیده، نهاد یا پدیده ای طبیعی است به صورت فراسویی که دست کم بخشی از آن از سنت ها و روایت ها گرفته شده است و با عقاید دینی پیوندی عمیق دارد. در اسطوره وقایع از دوران اولیه روایت می شود و این که چگونه هر چیزی خلق می گردد و ادامه ی حیات می دهد. حوادث و اتفاقاتی که در اسطوره بیان می شود مثال داستان واقعی است که در پی منطقی می گردد هر چند اسطوره در ظاهر امر به بیان حوادث تاریخی می پردازد اما، به دنبال صحت یا سقم و اثبات نیست. زیرا در این روایت آنچه مهم است «شرحی است که این

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

داستان‌ها برای معتقدان آن‌ها دربر دارد». و درجه‌ی اهمیت در آن است که دیدگاه‌های آدمی را نسبت به خود، جهان و آفریننده توضیح می‌دهد [۲].

اسطوره آمیخته با تاریخ_ نیمه تاریخی_ عبارت است از؛ شرح کارهای خارق العاده و نیز فوق العاده‌ای که توسط آدم‌های قدرتمند انجام پذیرفته که با پیوست حواشی به صورت روایت‌های غیر عادی و عجیب درآمد است. اسطوره برخاسته از متن ناتوانی و ناکامی آدمی است و در حقیقت «فریادرس فریاد انسان ناتوان است» در برآوردن و تحقق آرزوها و تأمین خواسته‌ها و وحشت‌وی از اتفاقات غیر مترقبه. اینجا است که قدرت تخیل شاعرانه‌ی شاعران بروز و نیز عمل نموده سپس منجر به خلق خدایان، شهریاران، قهرمانان و انسان‌های آرمانی می‌گردد و از شخصیت‌های تاریخی و قهرمانان عادی موجوداتی فرا انسانی و اسطوره‌ای می‌سازد. از طرفی اسطوره تجسم احساسات بشری است که به گونه‌ای از ناخود آگاه، برای کاهش گرفتاری‌ها و آرام بخشیدن به آلام بشری یا اعتراض به مواردی که برای وی نامطلوب و ناعادلانه بوده، منشأ می‌گیرد.

۲. چگونگی ظهور اساطیر

ذهن پر سشگر و خلّاق بشر هیچ وقت به داشته‌های خود اکتفا نکرده و به همان میزانی که می‌دانسته است اقتناع نشده است. بلکه همواره در جستجوی موجوداتی و مواردی برتر، زیباتر، نیرومندتر، بزرگ تر بوده است. شیر با آن که مظهر نیرومندی و خشم است و سلطان وحوش لقب گرفته است وقتی در برابر قوه‌ی تخیل قرار می‌گیرد ناقص می‌نماید و برای کمال خود نیاز به دو بال دارد و از این روی چنین تصویر خیال‌انگیزی را در کتیبه‌ها و نقش برجسته‌های سنگی دیده می‌شود. از این رو از عالم «واقعیت» ها به سرزمین «اسطوره‌ها» گام می‌گذارند. حتی گاهی با اسطوره سازی و القای صفات و خصوصیات آدمی به اشیا و تشخیص پردازی (آدم انگاری پدیده‌های غیر انسانی) پدیده‌های طبیعی را بشری ترسیم می‌نماید. چنانکه گفته اند؛ ستاره چشمک می‌زند، ابرمی‌گرید، ز سنگ ناله خیزد... و موارد دیگری از قبیل به سوگ سیاوش همی جوشد آب، کُند چرخ نفرین بر افراسیاب... این تصاویر شاعرانه پیش از هر چیزی کارآدمیان اولین است که استنباط خود را از زندگی به شکل اسطوره بیان کرده اند. در هنگام خسوف اژدهایی ماه را در دهان می‌گیرد، در وزیدن باد فرشته‌ای گمارده شده است.

«سن پُل» _ نویسنده‌ی فرانسوی _ معتقد بود که وجود نادیدنی‌ها باید با دیدنی‌ها درک شود. اما در میان ملل کهن این تنها شعار ایرانیان و یونانیان در موضوع درک نادیدنی‌ها از راه دیدنی‌ها بود. و شرقی نیز همانند غربی نیاز به دانستن را احساس می‌کرد و می‌خواهد بداند، از کجا آمده؟ برای چه آمده؟ حیات و مرگ چیست؟ به به کجا خواهد رفت؟ تحت تأثیر کدام نیروی مرموز و اسرار آمیز اجرام سماوی مسیر خود را در فضای بی‌منتها معلوم می‌کنند؟ و بسیاری از استفسارات بی‌شمار دیگری که همچنان برایش رازآلود بوده است. بدین سبب سعی نموده است تا طی اعصار پیشین با قدرت تخیل و کوشش بسیار خویش را از تحیر و سرگردانی برهاند و آرام‌گیرد به همین دلیل به اساطیر پناه آورده است تا در مسیر زندگانی خود پرده از مبهمات بردارد [۱۷].

۳. کارکرد شناخت اساطیر

دانش اساطیر در پیشینه‌ی شناسی تاریخ تمدن، رو شنایی بخشی به زوایای تاریک ساخت‌های کهن اجتماعی، شناخت طرز تفکر، اعتقادات و باورهای مردمان ادوار باستانی کار می‌کند. حتی می‌تواند ساختار کهن تمدن بشری و نیز گونه‌های ارتباطات اقوام ابتدائی را به بشر امروز معرفی و به حوزه باستان شناسی نیز هم ورود نماید.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۴. ورود اساطیر در شعر فارسی

با توجه به تاریخ درخشان فرهنگی و فرهنگ تاریخی فراخ دامن ایران کهن، استفاده از اساطیر در شعر فارسی قدمتی دیرینه و چند صد ساله دارد. از این منظر اسطوره‌ها می‌توانند بخش و سیعی از میراث فرهنگی و تاریخی هر ملتی به شمار آید. و هرازگاهی به پیوست آثار هنری به طور ضمنی آن‌ها را به ملت خود یادآوری نماید. با اشاره به اینکه اساطیر می‌توانند ضلعی از چهارچوب فکری و ایدئولوژیکی را تشکیل دهند و در قالب آثار هنری و ادبی مثال روایات و داستان‌ها به کار رود که با شاخص‌ها و آئین‌های سنتی متعلق به یک فرهنگ و پیروانش در ارتباط باشد. اگر چه ممکن است این روایت جنبه‌ی کیهان‌شناختی یا مفاهیم متعدد دیگری مانند انتقام یا حس حسادت داشته باشد. از این رو هر یک از شخصیت‌ها ممکن است نماینده‌ی یکی از خصوصیات و صفات نیک یا بد آدمی قرار بگیرد و این در تمام آثار ادبی جهان گریز ناپذیر می‌نماید. پس از صدارت اسلام و آغاز حیات ادبی فارسی در دوره‌ی اسلامی، شعرای متقدم با بهره‌مندی از اساطیر به سخن خود غنا بخشیدند و در رأس آن‌ها حکیم ابوالقاسم فردوسی توسی با توجه ویژه به شخصیت‌های ایران زمین، کاخ با شکوه شاهنامه را پی افکند و با یادکرد نام‌شان آن‌ها را در شعر خویش جاودانه ساخت. پس از حکیم فرزانه‌ی توس، توجه به آن‌ها در روی خط زمان صرف نظر از فراز و فرودها همواره تداوم داشته است و در طول تاریخ هر کدام از گویندگان و شاعران بزرگ به تناسب زمینه‌ی سخن خویش از آن‌ها بهره‌برده‌اند. اسطوره‌ها و کارکرد آن‌ها در قالب «کهن‌الگو» از دو منشأ آغاز شده است. اول از نهاد ناخودآگاه آدمی و دو دیگر از قوه‌ی تخیل او. ذهن آدمی با بهره‌گیری از قوه‌ی خیال می‌تواند در برجسته‌سازی، شاخ و برگ بخشیدن به آن‌ها، آرمانی کردن و نیز منحن نمودن شخصیت‌های اساطیری مطابق با امیال و آرمان‌خواهی‌های خویش، آن‌ها را بازسازی نموده و از نو بیافریند. اهمیت دانش اساطیری یکی از این جهت است که مبدأ و منشأ افکار، عواطف و احساسات آدمی است. امیدها، آرزوها و ترس و لذت وی را مشخص می‌نماید. از این منظر با اعتقادات دینی و فلسفه ارتباط پیدا می‌کند و دیگر آن‌که از این منظر در هنر و ادبیات تأثیر فراوانی گذارده است.

۵. اسطوره و ادب حماسی ملی

از نیمه‌ی قرن پنجم، بویژه آغاز قرن ششم هجری آثار ضعف در نظم حماسه‌های ملی کاملاً آشکار است و از این زمان به بعد متدرجاً به نظم پرداختن داستان‌های ملی کهن متروک ماند. دلیل اصلی این اتفاق تسلط غلامان و قبایل زردپوست بر ایران و نفوذ عوامل اعتقادی و دینی و نیز فراموش شدن افتخارات نژادی و ضعف مبانی ملیت در میان ایرانیان است که با حفظ، توسعه و نظم حماسه‌های ملی مباینت عمیق دارد... در قبال انحطاط حماسه‌های ملی، دو نوع تازه از حماسه در ایران قرن ششم معمول شد که با اوضاع اجتماعی ایرانیان آن روزگار و از آن دو؛ یکی حماسه‌های تاریخی یعنی منظومه‌های حماسی است که در باب رجال تاریخی ترتیب یافت. از قبیل اسکندرنامه‌ی حکیم نظامی و شاهنشاه‌نامه‌ی پائیزی از مجدالدین محمد پائیزی نسوی شاعر قرن ششم و دوم حماسه‌ی دینی یعنی منظومه‌هایی که در شرح قهرمانی‌های رجال و پهلوانان دین اسلام ترتیب یافته بود و بیشتر تخصیص به شیعیان دارد [۱۰]. با تمام فراز و فرودهایی که از منظر اقبال به اساطیر از منظر مبانی دینی در آن روزگار وجود داشت برخی از شاعران فارس زبان بخصوص «خاقانی» با آن همه داشته‌های آبا و اجدادی، غنای فرهنگی و نیز پشتوانه‌های حماسی، دیده‌ی واقعیت بین خویش را گشوده و نسبت به آن‌ها اهتمام نمود و با بهره‌وری از رموز و اسطوره‌های اسطوره‌ای به لقاء مفاهیم و معانی مورد نظر خود پرداخته است. اینک به ذکر نمونه‌هایی از اساطیر در ادب فارسی پرداخته می‌شود:

آرش کماندار:

آن خوانند آرش را کماندار که از رویان به مرو انداخت او تیر [۱]

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بنابر روایات برخی تاریخ نویسان اسلامی پس از آنکه افراسیاب بر ایران غلبه کرد و منوچهر را در طبرستان محاصره کردند برای مصالحه مقرر شد که افراسیاب به قدر یک تیر پرتاپ از زمین ایران به منوچهر واگذار شود. از آن میان آرش تیری در چله ی کمان نهاد و در آمل بر درخت گردویی فرود آمد و صلح برقرار گردید. گویند همان روز در ماه تیر بود و از اینرو جشن تیرگان گرفتند [۱۰]. اسفندیار و هفت خوان:

هر صبح سر به گلشن سودا برآرم وز سور آه بر فلک آوا برآورم

اسفندیار این دژ روئین منم به شرط هر هفته هفت خوانش به تنها برآورم [۵]

اشاره به دژ روئین از دژهای تورانیان در سرزمین بیگانه دارد که ارجاسب تورانی خواهران اسفندیار را پس از اسارت در آنجا زندانی کرد. هفت خوان هم شرح گذشتن از هفت مرحله ی پرماجری و سخت برای رسیدن به دژ روئین و رهاندن خواهران از زندان دشمن بوده است. خاقانی زندان خویش را به دژ روئین و خود را به اسفندیار و نامالیقات را به هفت خوان تشبیه کرده است.

افراسیاب (شاه ترکان):

شاه ترکان که پسندید و به چاهم افکند دستگیر از نشود لطف تهمتن چه کنم؟ [۱۴]

شاه ترکان کنایه از افراسیاب حاکم توران است که به جرم عاشقی بیژن بر دخترش منیژه، وی را در سمنگان در چاهی محبوس کرد تا اینکه به دست رستم نجات یافت. اما در اینجا حافظ شاه ترکان را شاه شجاع می داند که از جانب مادر نسبت با ترکان قراختایی می رساند. و منظور از تهمتن، وزیر اوست. گویا کدورتی میان خواجه و شاه شجاع پیش آمده و حافظ چشم یاری به وزیر وی دارد.

سیاووش؛ خون سیاووش:

شاه ترکان سخن مدعیان می شنود شرمی از مظلومه خون سیاووش بادش [۱۴]

بیت اشاره به داستان سیاووش در شاهنامه حکیم فردوسی دارد که؛ از دست حيله گری های نامادریش سودابه به سرزمین ترکان تورانی پناه آورد. در آنجا بر اثر حسادت حاسدان از جمله گرسیوز و دمدمه های وی در افراسیاب، به فرمان وی و به دست گروهی سربریده شد. حافظ این بیت را به طریق تمثیل سروده است. گویند؛ سلطان منصور از شاهان ایلخانی پسری «اسد» نام داشت که از دوستان محبوب خواجه بوده است که به اغوای ارکان سلطنت وی را کشت. در این بیت منظور از شاه ترکان، سلطان منصور و خون سیاووش مجاز از کشته شدن فرزند به دستور خود است.

آسمان (پدر)، زمین (مادر):

کسی را که دختر بود آبکش پسر در غم و باب در خواب خوش

پدر آسمان باد و مادر زمین نخواهم بر این روزگار آفرین [۶]

آسمان دارای ارزش های اساطیری بسیاری است و جایگاه ویژه ای دارد. یکی از ارزش های نمادین آسمان، نرینگی، قدرت بارور کنندگی، پدرانگی و ازدواج با زمین مادر است که در اساطیر اقوام و ملل دیگر دیده می شود. در ادبیات زرتشتی برای آسمان، «میتوئی» - وجود نامرعی - بسیار قدرتمند تصور می شود و شبیه مردی است که گُستی (کمربند زرتشتیان) بر کمر دارد و به شکل کهکشان نمایان شده است [۱۸].

جمشید و بهرام گور:

آن قصر که جمشید در او جام گرفت آهو بچه کرد و روبه آرام گرفت

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر دیدی که چگونه گور بهرام گرفت [۱۶]
رباعی، حاصل تأمل در ناپایداری دنیا دارد و نیز نظری بر زندگانی جمشید نخستین پادشاه و بهرام پنجم ساسانی معروف به بهرام گور دارد.
اسکندر:

بیهوده مجوی آب حیوان در ظلمت خویش چون اسکندر
کان چشمه که خضر یافت آنجا با دیو فرشته نیست همبر [۳]
اشاره به داستان اسکندر و سفر او به سرزمین شمالی کره ی زمین در پی یافتن آب حیات جاودانه، سرگشتگی و عدم توفیق وی دارد. که به تعریض کوشش بشر را در راه معرفت خداوند با ابزار عقل ناقص خود دارد که مانند اسکندر بی توفیق می‌ماند.
جمشید و بهرام گور:

آن قصر که جمشید در او جام گرفت آهو بچه کرد و روبه آرام گرفت
بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر دیدی که چگونه گور بهرام گرفت [۱۶]
رباعی، حاصل تأمل در ناپایداری دنیا دارد و نیز نظری بر زندگانی جمشید نخستین پادشاه و بهرام پنجم ساسانی معروف به بهرام گور دارد.

۶. نتیجه گیری

اساطیر، در حقیقت منشأ افکار و تجسم عواطف انسانی است که امیدها، آرزوها، ترس‌ها و لذت‌های او را معلوم می‌کند. از این منظر در شعر فارسی و هنر تأثیر فراوان بخشیده است؛ به گونه ای که از ناخودآگاه، برای کاهش گرفتاری‌ها و آرام بخشیدن به آلام بشری یا اعتراض به مواردی که برای وی نامطلوب و ناعادلانه بوده است، منشأ می‌گیرد. از اینرو شاعر نادیدنی‌های فوق انسانی را در جهت مقاصد خویش محسوس و دیدنی نموده و با تحرک روانی و ذهنی و نیز با استفاده از تصاویر خیال، گاه خود را همان اسطوره ای - موجود آرمانی - بیندارد که برای رهایی بشر قیام می‌کند زیرا اسطوره برخاسته از متن ناتوانی و ناکامی آدمی است و در حقیقت «فریادرس فریاد انسان ناتوان است» تحقق آرزوها و تأمین خواسته‌ها و از سوی وحشت وی از اتفاقات غیر مترقبه. اینجا است که قدرت تخیل شاعرانه ی شاعران بروز نموده سپس منجر به خلق خدایان، شه‌ریاران، قهرمانان و انسان‌های آرمانی می‌گردد و از شخصیت‌های تاریخی و قهرمانان عادی موجوداتی فرا انسانی و اسطوره ای می‌سازد.

۷. مراجع

۱. اسعد گرگانی، فخرالدین اسعد، گواخاریا، الکساندر، تصحیح، نشر بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۱
۲. آموزگار، ژاله، تاریخ اساطیری ایران، چاپ اول، نشر سمت، تهران ۱۳۷۴
۳. رضوی، مدرس، تصحیح، حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه، نشر سپهر، تهران، ۱۳۲۹
۴. سارتر، ژان پل، ادبیات چیست، ترجمه؛ رحیمی، مصطفی، نشر امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۰
۵. سجادی، سید ضیاءالدین، دیوان خاقانی، نشر زوار، تهران، ۱۳۵۷
۶. سرکاراتی، بهمن، رستم یک شخصیت اسطوره ای یا تاریخی، سخنرانی هفته ی فردوسی، مشهد، ۱۳۵۷

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۷. شفیعی کدکنی، محمدرضا، صور خیال در شعر فارسی، نشر نیل، تهران ۱۳۴۹
۸. شمیسا، سیروس، فرهنگ تلمیحات، نشر میترا، تهران، ۱۳۹۰
۹. صفاء ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایرا، نشر ابن سینا، تهران، ۱۳۳۹
۱۰. صفاء ذبیح الله، حماسه سرایی در ایران، نشر امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۲
۱۱. علامی، ذوالفقار، آسمان پدر و زمین مادر، مجله علوم انسانی، شماره های ۶۹ و ۶۸، دانشگاه الزهراء، ۱۳۶۸
۱۲. کارنوی، ا.جی، اساطیر ایرانی، ترجمه؛ احمد طباطبایی، نشر فرانکلین، تبریز ۱۳۴۱
۱۳. مینوی، مجتبی، محقق، مهدی، دیوان اشعار ناصرخسرو قبادیانی، جلد اول، ناشر مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل، تهران، ۱۳۵۷
۱۴. نائینی، جلال، احمد، نذیر، تصحیح، دیوان حافظ شیرازی، نشر آستان قدس، مشهد، ۱۳۵۰
۱۵. نیکف، میخایل افسیان، فرامرزی، محمد تقی، ترجمه، مسائل زیباشناسی و هنر، مقاله تخیل هنری، تهران، ۱۳۴۰
۱۶. هدایت، صادق، رباعیات خیام، نشر جاویدان، چاپ اول، تهران، ۱۳۱۳
۱۷. همیلتون، ادیت. ترجمه؛ شریفیان، عبدالحسین، اساطیر ایران و روم، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶.
۱۸. یارشاطر، احسان، آسمان، دانش نامه ایران و اسلام، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶